

تأثیر ساخت مجموعه‌های امنیتی بر امنیت منطقه‌ای (مطالعه‌ی موردی مجموعه‌ی امنیتی خلیج فارس)

ابراهیم طاهری^۱

امین صادقی بکیانی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۱۰/۱۵

تاریخ تأیید مقاله: ۱۳۹۴/۱۲/۲۴

صفحات مقاله: ۴۷ - ۸۸

چکیده:

مجموعه‌های امنیتی یکی از مفاهیم نوین در مطالعات امنیتی محسوب می‌شود که هدف از آن بررسی معمای امنیت در درون مجموعه‌ی امنیتی است. در این راستا، به‌منظور بررسی امنیت ملی و منطقه‌ای می‌بایست به بررسی ساخت مجموعه‌ی امنیتی و ویژگی‌های آن پرداخت. پس از بررسی، بر اساس این‌که ساخت درونی مجموعه‌ی امنیتی، تهدیدات یا منافع مشترک را تقویت کند، سازه‌های امنیتی فردگرایانه یا جمع‌گرایانه شکل می‌گیرد.

بنابراین، مقاله‌ی حاضر در صدد است که به بررسی ساخت مجموعه‌های امنیتی بر امنیت منطقه‌ای بپردازد. مطالعه‌ی موردی خلیج فارس به همین علت، امنیت ملی کشورهای منطقه به‌خصوص کشورهای مستقل با تهدیدات جلی و پیچیده شدن روزافزون معمای امنیت روبرو هستند. به همین دلیل، سؤال پژوهش بر محوریت این موضوع شکل می‌گیرد که مجموعه‌های امنیتی با چه الگوهایی از امنیت روبرو بوده و این الگوها چه پیامدهای امنیتی را در پی دارند؟ این موضوع در مورد مجموعه‌ی امنیتی خلیج فارس چه دلالت‌هایی را در پی دارد؟ در پاسخ می‌توان مطرح کرد که الگوی امنیتی حاکم در مجموعه‌ی امنیتی خلیج فارس الگوی امنیتی فردگرایانه از نوع بازدارندگی یک‌جانبه و موازنه‌ی قوا می‌باشد. در مجموع، هدف این پژوهش بررسی الگوی امنیتی موجود در خلیج فارس و پیامدهای امنیتی حاصل از آن را در جهت تملوین سیاست خارجی کشورهای منطقه به‌خصوص جمهوری اسلامی ایران است. بدین ترتیب، روش مقاله به‌منظور بررسی فرضیه‌های مربوطه توصیفی-تجربی می‌باشد. پژوهش از نوع مطالعه موردی است.

۱ - عضو هیات علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه یزد

۲ - دانشجوی کارشناسی ارشد غرب آسیا دانشگاه تهران

* * * * *

واژگان کلیدی

نظریه‌ی مجموعه‌ی امنیتی، سازه‌های امنیتی فردگرایانه یا جمع‌گرایانه، نظریه‌ی کاتزنستاین، الگوی امنیتی، امنیت ملی و منطقه‌ای، الگوی امنیتی در خلیج فارس.

مقدمه

سده‌ی بیستم فرصت نوینی را برای آغاز مطالعات امنیتی در سطح منطقه‌ای فراهم نمود. مباحثات امنیتی که در عین داشتن استقلال از سطح تحلیل بین‌الملل دارای آن میزان وابستگی به هم هستند که سطح منطقه‌ای از امنیت را شکل دهند. در این میان، اندیشمندان مختلف اقدام به نظریه‌پردازی نمودند و مطالعات مختلفی از امنیت شکل گرفت. یکی از این نظریات، مجموعه‌ی امنیتی باری بوزان می‌باشد که دارای چهار عنصر بنیادین آنارشی، قطبش، مرز و ساخت اجتماعی است. بر این اساس، گروهی از دولت‌ها باید از نظر امنیتی تا آن اندازه وابستگی متقابل داشته باشند که قابلیت تبدیل به یک مجموعه و در عین حال، مجزا از مناطق امنیتی پیرامون باشند، اما هر مجموعه‌ی امنیتی با توجه به حاکم بودن ویژگی‌های مختلف، انواع متفاوتی از الگوهای امنیتی در آن ایجاد می‌شود. یکی از این ویژگی‌ها مربوط به ساخت درونی مجموعه‌ی امنیتی است. اگر این ویژگی‌ها کنترل تهدیدات را به‌عنوان دغدغه‌ی اصلی کشورها قرار بدهد، الگوهای امنیتی فردگرایانه و چنانچه افزایش منافع مشترک میان کشورها انگیزه‌ی جدی آنها باشد، الگوی امنیتی جمع‌گرایانه قابل استفاده است. این که پیامدهای این الگوها به‌صورت امنیت‌زایی یا امنیت‌زدایی خود را نشان دهد، بستگی به این دارد که به‌طور کلی الگوها از جانب کشورهای داخلی مجموعه یا بیرونی طراحی شوند. اغلب الگوهای امنیتی که از بیرون تعبیه می‌شوند، پیامدهای امنیت‌زدایی بیش‌تری نسبت به الگوهای امنیتی دارند که از طریق کشورهای داخلی طراحی می‌گردند. این پیامدها به‌طور قطع بر امنیت منطقه و امنیت ملی کشورها تأثیر دارد که هر چه وابستگی متقابل بیش‌تر باشد، این تأثیرات نیز افزایش می‌یابد.

یکی از مناطقی که در قالب این نظریه مطرح می‌شود، خلیج فارس می‌باشد که هم به لحاظ ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر از اهمیت وافری برخوردار است. در این مجموعه قدرت‌های بزرگ به‌منظور تحکیم و تثبیت موقعیت خودشان در منطقه از دیرباز از الگوهای امنیتی متناسب با منافع‌شان استفاده می‌کردند. در این راستا، لازم به یادآوری است که آمریکا به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مداخله‌گران خلیج فارس، بعد از جنگ جهانی دوم نقش مؤثری در شکل دادن به سیستم‌های کنترلی داشته‌اند که می‌توان به لحاظ تاریخی به‌صورت زیر مطرح کرد: (الگوی امنیتی مبتنی بر هژمونی منطقه‌ای: بعد از خروج انگلستان و جایگزینی آمریکا، الگوی امنیت در منطقه‌ی خلیج فارس جلوه‌ای آمریکایی به خود گرفت. آمریکای مسلط بر منطقه، به‌دنبال ایجاد نظم بود که منافع دراز مدت خود را تضمین کند. در نتیجه، از اوایل آغاز جنگ سرد تا اواخر دهه‌ی ۱۹۷۰، الگوی امنیتی خود را بر پایه‌ی سیاست دوستونی ارائه کرد. بر این اساس، ایران به‌عنوان ستون سیاسی و نظامی و عربستان پایگاه اقتصادی آمریکا محسوب می‌شد که با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، این طرح امنیتی ناکارآمد شد (ابراهیمی فر، ۱۳۸۷: ۲۰-۲۲)؛ ۲) الگوی امنیتی مبتنی بر مهار دوجانبه: بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، آمریکا یکی از مهم‌ترین متحدان منطقه‌ای خود را از دست داد و ایران به‌عنوان چالشگری قوی، برای آمریکا و کشورهای غربی معرفی شد. از طرف دیگر، با توجه به حمایت شوروی از عراق و بالا بودن قدرت نظامی آن، آمریکا نسبت به این کشور هم، جهت‌گیری منفی اتخاذ نمود. بنابراین، سیاست آمریکا ابتداءً، تضعیف ایران از طریق تجاوز عراق به این کشور، و در گام بعد تضعیف عراق به‌وسیله‌ی حمایت از کویت در مقابل تجاوز این کشور بود. (همان، صص ۲۰-۲۲)؛ ۳) الگوی امنیتی مبتنی بر زور: بعد از ۱۱ سپتامبر، سیاست خارجی آمریکا در منطقه‌ی خلیج فارس تغییر یافت و بیش‌تر مبتنی بر زور بود. در سیاست نوین، افراط‌گری اسلامی، به‌عنوان تهدید اصلی علیه امنیت آمریکا مطرح می‌شود. بر اساس همین سیاست، آمریکا حمله به افغانستان و عراق، تهدید سوریه و ایران به تغییر رژیم‌های‌شان را توجیه کرد و شعار با ما یا علیه ما را مطرح نمود. در این نوع سیاست، تهدیدات نظامی اهمیت وافری داشت، اما باید گفت این

تهدیدات، به معنای حذف بازیگران نبود. (ابراهیمی‌فر، ۱۳۸۷: ۲۰-۲۲) هرچند آمریکا و کشورهای مداخله‌گر تلاش زیادی برای در دست گرفتن الگوی امنیتی منطقه داشته‌اند، اما چون سیستم‌های تعبیه‌شده در راستای منافع کشورهای بزرگ و خارجی بوده است، جز پیامدهای منفی و ناامن‌تر شدن منطقه چیز دیگری به همراه نداشته است. به همین علت، امنیت ملی کشورهای منطقه به‌خصوص کشورهای مستقل با تهدیدات جدی و پیچیده شدن روزافزون معمای امنیت روبرو هستند. به همین دلیل، سؤال پژوهش بر محوریت این موضوع شکل می‌گیرد که مجموعه‌های امنیتی با چه الگوهایی از امنیت روبرو بوده و این الگوها چه پیامدهای امنیتی را در پی دارند؟ این موضوع در مورد مجموعه‌ی امنیتی خلیج فارس چه دلالت‌هایی را در پی دارد؟ در پاسخ می‌توان مطرح کرد که الگوی امنیتی حاکم در مجموعه‌ی امنیتی خلیج فارس الگوی امنیتی فردگرایانه از نوع بازدارندگی یک‌جانبه و موازنه‌ی قوا می‌باشد و با توجه به قواعد حاکم بر این دو الگوی امنیتی فردگرایانه، امنیت منطقه‌ای آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در مجموع، هدف پژوهش بررسی الگوی امنیتی موجود در خلیج فارس و پیامدهای امنیتی حاصل از آن را در جهت تدوین سیاست خارجی کشورهای منطقه به‌خصوص جمهوری اسلامی ایران است.

روش مقاله به‌منظور بررسی فرضیه‌های مربوطه توصیفی-تجربی می‌باشد و پژوهش از نوع مطالعه‌ی موردی است. در این راستا، ابتدا دیدگاه‌های مختلف و بنیان‌های مفهومی مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای مطرح می‌گردد، و پس از مدل‌سازی نظری عوامل ایجاد الگوهای امنیتی بررسی می‌گردد. سپس کالبد شکافی الگوهای مذکور و پیوند هر کدام بر امنیت ملی واحدها مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. سرانجام پس از کالبدشکافی الگوهای امنیتی حاکم در این مجموعه‌ی امنیتی خلیج فارس، به پیامدهای الگوهای امنیتی و شناسایی تهدیداتی که از این بعد متوجه امنیت ملی ایران است پرداخته می‌شود.

به‌منظور پاسخ به پرسش اصلی و بررسی فرضیه‌های طرح‌شده، ابتدا به مبانی نظری مجموعه‌ی امنیتی از نگاه کاتزنستاین پرداخته می‌شود. هدف این قسمت بررسی الگوهای

امنیتی و پیامدهای آن در انواع مجموعه‌ی امنیتی می‌باشد. در گام دوم، وضعیت مجموعه‌ی امنیتی خلیج فارس و الگوهای امنیتی فردگرایانه در این منطقه مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این قسمت، مقاله به دنبال پیامدهای امنیتی این الگوهای امنیتی و تهدیدات ناشی از آن می‌باشد که به منظور مدیریت بحران‌های ناشی از آن امری ضروری است.

چارچوب مفهومی و نظری

اندیشمندان مختلفی در این زمینه نظریه‌پردازی نموده که آرای باری بوزان و کاتز نستاین مورد نظر این مقاله می‌باشد. در واقع، حرکت امنیت منطقه‌ای از منطقه‌گرایی کهن تاکنون به سمت تمرکز و قابلیت هر چه بیش‌تر شناسایی بوده است که به نظر می‌رسد باری بوزان با مطرح کردن ایده‌ی مجموعه‌ی امنیتی منطقه‌ای تا حدودی به این مهم دست یافته است.

به‌طور کلی، تشخیص موجودیت یک مجموعه‌ی امنیتی و فقدان موجودیت آن بر اساس برخی ملاک‌ها و معیارها امکان‌پذیر است که در قالب تعریفی که باری بوزان و ویور در خصوص مجموعه‌های امنیتی ارائه داده‌اند، قابل درک است. آنها در مقام تعریف یک مجموعه‌ی امنیتی می‌گویند: «مجموعه‌ای از واحدها که فرآیندهای امنیتی و غیرامنیتی کردن آنها به میزانی دارای پیوند درونی مستحکمی است که مشکلات امنیتی آنها را نمی‌توان جدا از یکدیگر به شکلی معقول تحلیل کرد. (Buzan, Weaver, 2003: 50-55) ساختار و پویایی شناسی شکل‌دهنده به یک مجموعه‌ی امنیتی معمولاً با واحدهای موجود در درون آن تولید نمی‌شود؛ بلکه با استنباط آنها از امنیت و تعامل با یکدیگر به‌وجود می‌آید. (Reynolds, 2009: 14) با توجه به این تعریف می‌توان معیارهای وابستگی متقابل شدید امنیتی، الگوهای دوستی و دشمنی، مجاورت، وجود حداقل دو بازیگر مؤثر و استقلال نسبی را به‌عنوان ملاک‌های موجودیت یک مجموعه‌ی امنیتی منطقه‌ای شناسایی نمود، اما باری بوزان ساختار بنیادین هر مجموعه‌ی امنیتی منطقه‌ای را دارای چهار متغیر می‌داند:

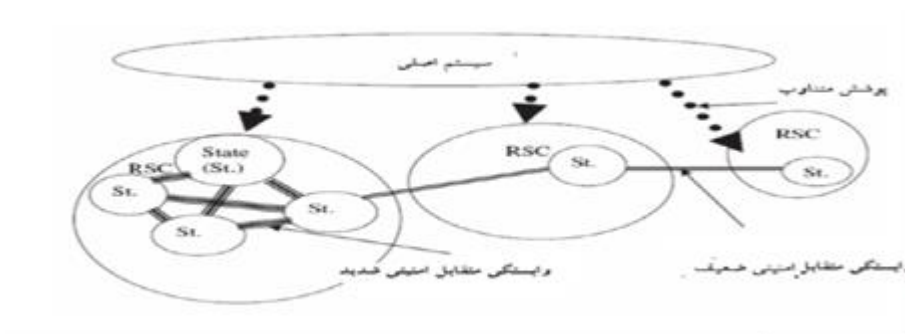
(۱) مرز که مجموعه‌ی امنیتی منطقه‌ای را از همسایگانش جدا می‌کند؛

۲) ساختار آنارشیک به این معنا که مجموعه‌ی امنیتی منطقه‌ای باید از دو یا چند واحد تشکیل شده باشد؛

۳) قطب‌بندی که پوشش‌دهنده‌ی توزیع قدرت در میان واحدهاست؛

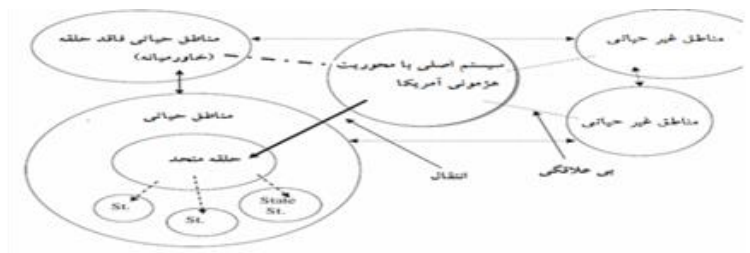
۴) ساخت اجتماعی که شامل الگوهای دوستی و دشمنی میان واحدهاست.

(Buzan,Weaver:2003:60)



شکل شماره‌ی ۱: مدل باری بوزان (به نقل از فرهاد قاسمی: موانع شکل‌گیری رژیم امنیتی منطقه‌ای کنترل تسلیحات؛ مطالعه‌ی موردی خاورمیانه: فصلنامه‌ی روابط خارجی، سال سوم، شماره‌ی سوم، ۱۳۹۰، ص ۲۶) بر اساس نظریه‌ی باری بوزان دو مفهوم رسوخ و پوشش، هرچه منطقه‌ای رسوخ‌پذیرتر باشد، فرآیندهای آن از جمله سیستم‌های کنترلی بیش‌تر تحت تأثیر نظم جهانی است؛ بنابراین، وجود مشکلاتی از قبیل بحران هویت، مشروعیت، مشارکت، نفوذ، توزیع و ادغام (رجوع شود به: روشندل و سیف‌زاده، ۱۳۸۲: ۱۱۴-۱۱۳) باعث می‌شود منطقه رسوخ‌پذیری زیادی داشته باشند و به همین علت، میزان پوشش آن نسبت به ساختار و سیستم بین‌الملل در سطح بالایی قرار داشته باشد.

بر اساس نظریه‌ی کاتزنشتاین، به این دلیل که هیچ کشور مرکزی برای ارتباط میان منطقه‌ی حیاتی فاقد حلقه و قدرت برتر که شکل‌دهنده به ساختار نظام بین‌الملل است، وجود ندارد؛ بنابراین، کشور مذکور خود به‌عنوان طراح الگوی امنیتی (بر اساس منافع خودش) وارد منطقه‌ی فاقد حلقه می‌شود. شکل زیر به خوبی این مسأله را نشان می‌دهد.



شکل شماره ۲: مدل ژئوپلیتیکی کاتزنشتاین (به نقل از فرهاد قاسمی: همان، ص ۲۵)

عوامل ایجاد الگوهای امنیتی در مجموعه‌ی امنیتی

در این راستا، یکی از موضوعات مهم در حوزه‌ی مطالعات مجموعه‌ی امنیتی عوامل ایجادکننده‌ی الگوی امنیتی و به کلامی روشن رژیم‌های امنیتی در آن می‌باشد. در این میان، اصولاً الگوهای مذکور بر اساس مجموعه‌ای از عوامل خاص که به ویژگی‌های ذاتی منطقه و یا متغیرهای برون منطقه‌ای که هرچند بومی مجموعه محسوب نمی‌شوند، اما به دلیل شدت اثرگذاری بخشی از عوامل مذکور محسوب می‌گردند، بستگی دارد که مهم‌ترین آن عبارتند از:

(۱) **قطب‌بندی درون منطقه‌ای:** منظور از قطب‌بندی، شناسایی تعداد مراکز قدرت به لحاظ توانایی‌های نظامی و اقتصادی و مؤثر بودن بر فرآیندهای درون مجموعه‌ی امنیتی منطقه‌ای است. (3: Fraizear and Ingersoll, 2010) هویت و رفتار قدرت‌های منطقه‌ای می‌بایست توسط توزیع توانایی‌های قدرت در درون منطقه لحاظ شود. قطب‌بندی منطقه‌ای در مجموعه‌ی امنیتی همراه با متغیرهای الگویی سطح انسجام بین قطب‌ها و ساختار روابط بین آنها نوع الگوی امنیتی حاکم بر مجموعه را تبیین می‌کند؛

(۲) **هژمون و قطب‌بندی سیستمی:** هژمون قدرت برتری است که به منظور تأمین منافع حیاتی خود به‌طور اخص و حفظ نظم سیستمی به‌طور اعم در کنار برتری‌هایی در حوزه‌های اقتصادی، نظامی، فرهنگی و سیاسی نسبت به سایر کشورها شکل‌دهنده‌ی قطب‌بندی نظام بین‌الملل در سطح سیستمی و گام بعد؛ طراحی الگوی امنیتی در

مجموعه‌های امنیتی (به‌خصوص با اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک) در سطح منطقه‌ای یک مجموعه‌ی امنیتی می‌باشد؛

۳) **ساخت اجتماعی:** ساخت اجتماعی از نظر باری بوزان شامل الگوهای دوستی و دشمنی است. الگوی دوستی و دشمنی از سطح سیستمی وارد نمی‌شود، بلکه با ترکیبی از تاریخ، مذهب، جغرافیا و قومیت به‌صورت درونی در سطح منطقه تولید می‌شود و بر الگوی امنیتی مؤثر است (Buzan and Weaver, 2003: 53)؛

ساخت ژئوپلیتیک: اصولاً ژئوپلیتیک به‌دنبال بررسی این موضوع است که چگونه فاکتورهای جغرافیایی، از جمله سرزمین، جمعیت، موقعیت راهبردی و منابع طبیعی روابط بین کشورها و تلاش آنها برای کسب قدرت و استیلا بر دیگران مؤثر است. (Bellamy, 2006: 1) (به نقل از قاسمی، ۱۳۸۴) سازه‌ی ژئوپلیتیک مجموعه و جایگاه آن در سازه‌ی جهانی شکل‌دهنده‌ی رقابت‌ها و تعارضات و حتی همکاری‌هایی است که بر گونه‌بندی الگوی امنیتی مجموعه مؤثر می‌باشد؛

۴) **ساخت ژئواکونومیک:** بر اساس تقسیم‌کار جهانی، جهان را به مناطق مرکز و مناطق پیرامون تقسیم می‌کند. مناطق از گونه‌ی نخست، از دید سیاسی با ثبات و از دید اقتصادی توسعه‌یافته و سازمان‌یافته‌اند (اوجلی و مورفی، ۱۳۷۳: ۱۰۲-۹۸)؛ اما مناطق پیرامون از بعد سیاسی درگیر چالش و تنش، و از بعد اقتصادی در حال توسعه‌اند. (عسگری، ۱۳۸۴: ۵۶) جایگاه مجموعه در ساختار ژئواکونومیک سیستم جهانی از یک سو، ویژگی‌های ژئواکونومیک مجموعه بر نوع الگوی امنیتی آن مؤثر خواهد بود.

شکل‌گیری انواع الگوهای امنیتی در مجموعه‌ی امنیتی منطقه‌ای

به‌طور کلی، بر اثر کارکرد عوامل تأثیرگذار دو نوع الگوی امنیتی در مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای وجود دارد؛ ۱- الگوهای امنیتی فردگرایانه، ۲- الگوهای امنیتی جمع‌گرایانه که الگوهای امنیتی فردگرایانه مشتمل بر بازدارندگی و موازنه‌ی قوا می‌باشد.

الگوی امنیتی بازدارندگی بر اساس پارادایم واقع‌گرایی سامان می‌یابد. (قاسمی، ۱۳۸۳: ۷۸-)

۷۱) بدین معنا که به‌دلیل وجود آنا‌رشی در نظام بین‌المللی امنیت به‌عنوان مهم‌ترین معضل

کشورها از طریق خودیاری شکل می‌گیرد. (Waltz, 1979: 88-93) شکل بخشیدن به این سیستم مستلزم سه شرط بنیادین ارتباط، توانایی و عقلانیت و در نهایت اعتبار است. (Russel and Morgan, 2009: 2) گونه‌بندی‌های مختلفی از مدل‌های بازدارندگی وجود دارد که شامل بازدارندگی یک‌جانبه، بازدارندگی غیرمستقیم، بازدارندگی هسته‌ای، و بازدارندگی متقابل می‌شود. (Slantchev, 2005: 7) هر یک از این الگوهای امنیتی دارای دستورکارهای منحصر به فردی هستند که دو نوع پیامد امنیتی تهدیدزا و امنیت‌زا را دربر دارند. این دستورکارها شامل مواردی می‌باشد که در جدول شماره ۱ به آنها اشاره شده است.

نوع دیگر از الگوهای امنیتی فردگرایانه، موازنه‌ی قواست. توازن به این ترتیب صورت می‌گیرد که دولت‌های مختلف مجاز باشند گرایش‌های متضاد خود را تا نقطه‌ای ادامه دهند که گرایش هیچ‌یک از آنها چنان قوی نباشد که بر گرایش سایر عناصر برتری یابد، اما گرایش هر یک به آن اندازه قوی باشد که مانع از برتری سایرین بر خود شود. (مورگنتا، ۱۳۷۴: ۱۵۴) از دیدگاه برخی از اندیشمندان حوزه‌ی روابط بین‌الملل در سیستم بین‌المللی مبتنی بر موازنه‌ی قدرت، همیشه باید یک قدرت سوم متوازن‌کننده، برای تضمین ثبات بین‌المللی وجود داشته باشد. وظیفه‌ی قدرت متوازن‌کننده تضمین موازنه‌ی بین‌المللی قدرت است. (سیف‌زاده، ۱۳۸۴: ۲۴۰-۲۲۹)

این دو نوع الگوی فردگرایانه بر امنیت منطقه‌ای و ملی کشورهای مجموعه‌ی امنیتی تأثیر می‌گذارد؛ زیرا که یک مجموعه‌ی امنیتی منطقه‌ای صرفاً ساختاری نیست که در مورد هر گروهی از کشورها بتوان به کار گرفت، گروهی از دولت‌ها برای داشتن کیفیت مجموعه‌ی امنیتی منطقه‌ای باید از نظر امنیتی تا اندازه‌ای دارای وابستگی متقابل باشند که برای تبدیل آنها به یک مجموعه‌ی منسجم و در عین حال، مجزای از مناطق پیرامونی، خاص باشد. (Buzan and Weaver, Ibid) در نتیجه، به دلیل وابستگی متقابل اعضا به لحاظ امنیتی، طبیعی است شرایط امنیتی حاکم در هر مجموعه‌ی امنیتی و شکل‌گیری الگوهای امنیتی متناسب با آن شرایط، به‌طور مستقیم بر امنیت ملی اعضای آن مجموعه تأثیر خواهد گذارد؛ به‌طوری که الگوهای مذکور می‌تواند امنیت ملی یک یا چند واحد را

به چالش گرفته و انواع تهدیدات نظامی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی را علیه یک یا چند واحد ایجاد نماید یا این‌که نه تنها تهدیدی علیه امنیت ملی کشوری محسوب نشده، بلکه در جهت تقویت منافع ملی آن کشور عمل نماید. جدول زیر به خوبی بیانگر الگوهای فردگرایانه، راهبردها و پیامدهای امنیتی آن می‌باشد.

جدول شماره‌ی ۱: راهبردها و پیامدهای امنیتی الگوهای فردگرایانه

۱- جنگ	۱- همکاری		۱- جلوگیری از اقدامات مداخله‌گر در امور منطقه	۱- پیوند حلقه‌ها و محورها	راهبردهای امنیتی
۲- تجزیه	با حریف	۱- تهاجم	۲- تهدید متحدان	۲- تراکم ارتباطات در محورهای خاص	
۳- ترکیب	۲-	۲- تدافع	قدرت مداخله‌گر در منطقه	۲- تلافی گسترده	
۴- مسابقه‌ی تسلیحاتی	عدم همکاری	۳- اطمینان‌سازی	۳- تأمین بقای دولت و رژیم سیاسی خود در منطقه ^۳	۳- پایگاه‌سازی ^۲	
۵- اتحاد و ائتلاف ^۶	با حریف	۴- سازش ^۴		۳- ساخت‌بندی شبکه‌ای ^۱	

۱- قاسمی، فرهاد (۱۳۹۰)، نظریه‌های روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای، تهران: میزان.

۲- قاسمی، همان منبع.

۳ - Signorino, Curtis .S and ahmer Tarar a.(2006): unified theory and test of extended immediate deterrence: American Journal of Political Science. Vol50.no3.

۴ - Wilkening, dean and keneth watman(1995): nuclear deterrence in regional on text, santa monica.ca.

۵ - Zagrono, frank. C and kilgour d. marc(2000): perfect deterrence Cambridge: Cambridge Press.

۶- رجوع شود به: سیف‌زاده، حسین (۱۳۸۴)، اصول روابط بین‌الملل (الف و ب)، تهران: میزان.

۱- آسیب‌پذیری مرزها و بعضی رژیم‌های سیاسی دولت‌ها	۱- در صورت همکاری			۱- کاهش مبادلات اقتصادی	۱- افزایش هزینه دشمن از طریق پیوند حلقه‌ها و محورها	پیامدهای امنیتی
۲- افزایش مداخلات مستقیم	ثبات راهبردی		۱- افزایش و تقویت بنیه‌ی نظامی کشور	۲- اعمال تحریم‌ها	۲- احتمال محورها	
۳- استفاده از راهبرد غیرمستقیم در کشورهای مخالف	۲- شکل‌گیری اعتماد میان طرفین	۱- عدم وقوع جنگ	۲- تلاش برای اعتمادسازی در منطقه	۳- وقوع جنگ تمام‌عیار	۲- احتمال سرایت بحران و تنش در سطوح مختلف شبکه	
۴- شکل‌گیری اتحاد و ائتلاف علیه دشمن	۳- احتمال شکل همکاری در صورت عدم همکاری	۲- ثبات راهبردی	۳- تقویت روابط میان دولت و ملت	۴- حضور پایدار نیروی نظامی خارجی با اهدافی دو سویه	۳- افزایش حساسیت و توجه بازیگران سایر شبکه‌ها	
۵- ایجاد ناکارایی در مدیریت بومی نظم	۱- وقوع جنگ		۳- تلاش برای اعمال نظم بومی	۵- ایجاد ناکارایی در مدیریت نظم بومی	نسبت به دشمن	

دومین نوع از الگوهای امنیتی، الگوی امنیتی جمع‌گرایانه می‌باشد که شامل جامعه‌ی امنیتی (کثرت‌گرا و ادغام‌شده) و امنیت دسته‌جمعی است. از آنجا که الگوی امنیتی جمع‌گرایانه مبتنی بر منافع واحدهای عضو یک مجموعه‌ی امنیتی می‌باشد و با وجود ارتباطی که با

قدرت‌های فرمانطقه‌ای دارد، الگوهای امنیتی حاکم بر آن بومی و خودجوش است. بدین ترتیب، شامل معیارها و ملزوماتی است که در صورت کارکرد درست آنها تقویت هرچه بیش‌تر امنیت منطقه‌ای را در پی دارد، اما عاملی که می‌تواند تهدیدکننده‌ی امنیت ملی این مجموعه باشد، عدم جامعیت الگوی مذکور بر تمامی اعضای یک مجموعه‌ی امنیتی است. به عبارتی، اگر الگوی مذکور تنها میان تعدادی از واحدهای مجموعه‌ی امنیتی حاکم باشد و بخشی از اعضای مجموعه از این الگو پیروی نمایند، امنیت ملی آنها در برابر تک‌تک واحدهای غیرعضو در آن مجموعه را آسیب‌پذیر قلمداد می‌کند. جدول زیر دستورهاها و پیامدهای هر یک از الگوهای جمع‌گرایانه را نشان می‌دهد.

جدول ۲. راهبردها و پیامدهای امنیتی الگوهای جمع‌گرایانه

انواع الگوی امنیتی جمع‌گرایانه	جامعه‌ی امنیتی کثرت‌گرا	جامعه‌ی امنیتی ادغام‌شده	امنیت دسته‌جمعی
راهبردهای امنیتی	۱- عدم به‌کارگیری زور یا تهدیدات ۲- مصونیت مرزها ۳- کاهش قابل توجه تسلیحات ۴- توسعه و گسترش تردد و	۱- برداشت یکسان از سیاست دفاعی ۲- خلاق نهاد‌های فوق ملی ۳- ایجاد هویت یکسان ۴- پدید‌دهی سرایت عمودی و	۱- اطمینان خاطی از مجازات ۲- کاهش استفاده از زور ۳- ایجاد هنجارهای چندجانبه‌گرایی عدم تبعیض ۴- تقسیم‌ناپذیری

<p>صلح</p> <p>۵- عملی شدن معامله به مثل^۳</p>	<p>افقی</p> <p>۵- پیش‌بینی‌پذیری رفتارها^۲</p>	<p>جریان‌ات اقتصادی و اطلاعاتی میان مرزها^۱</p>	
<p>۱- شکل‌گیری الگوهای مبتنی بر همکاری و همگرایی^۳</p>	<p>۱- محدود بودن مداخلات خارجی و مدیریت نمودن آنها^۲</p>	<p>۱- عدم وقوع جنگ مگر به‌منظور مجازات خاطی</p> <p>۲- مدیریت الگوهای رفتاری به شکل بومی^۱</p>	<p>پیامدهای امنیتی</p>

مدل نظری

همان‌طور که در جدول‌های مربوطه اشاره شد، پیامدهای امنیتی در نه (۹) الگوی متفاوت که به دو صورت فردگرایانه و جمع‌گرایانه منفک می‌شوند، مورد بررسی قرار گرفت.

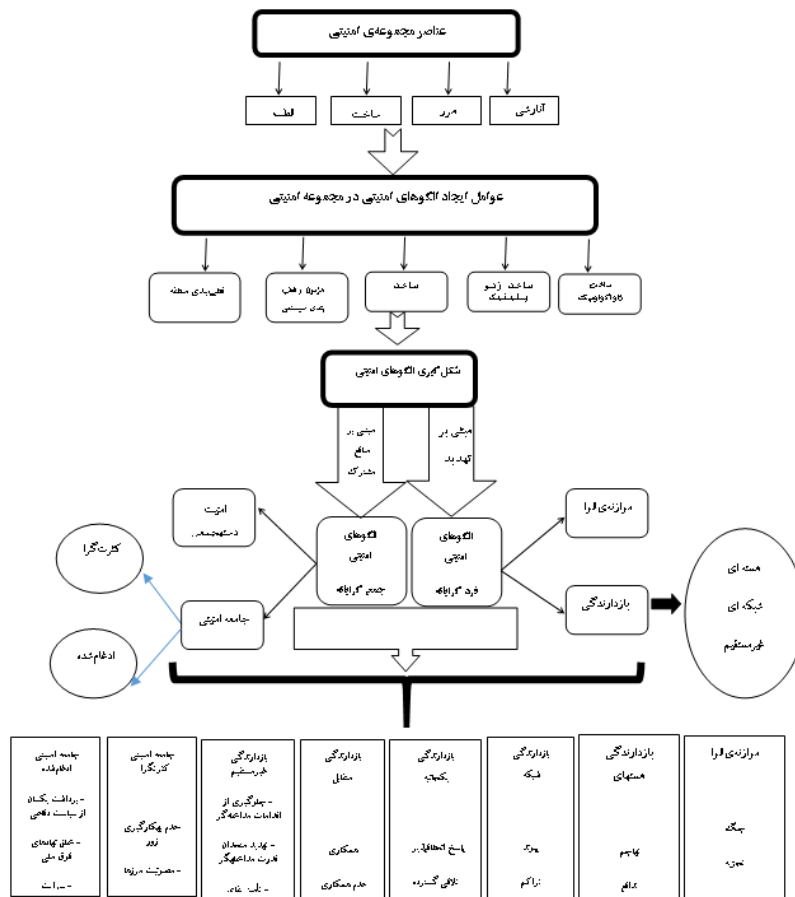
۷- رجوع شود به:

Dutch, Karl W. (1957) Political Community and The North Atlantic Area. Princeton: Princeton University Press.

۸- همان منبع.

۹- همان منبع.

دو الگوی امنیتی مذکور و راهبردهای هر یک بر اساس این فاکتور شکل می‌گیرد که در مجموعه‌ی امنیتی مورد مطالعه، تهدیدات امنیتی به‌عنوان دغدغه‌ی جدی تلقی می‌شود یا تلاش برای افزایش منافع مشترک. پیامدهای امنیتی هر یک از الگوها بر امنیت ملی و منطقه‌ای کشورهای عضو در مجموعه تأثیر به‌سزایی دارد که می‌تواند فرصت یا تهدیدی برای آنها باشد. اگر به‌عنوان فرصت شناخته شود، باعث نزدیکی و همگرایی میان کشورهای عضو خواهد شد و بر این اساس، همکاری بیش‌تر و افزایش سطح ارتباطات در میان آنها به‌وجود می‌آید. با توجه به این‌که امنیت دارای دو بعد ذهنی و عینی است، همکاری و ارتباطات بیش‌تر در راستای تقویت دو بعد امنیت کمک می‌کند و امنیت‌زایی در مجموعه توسعه می‌یابد. در نقطه‌ی مقابل اگر پیامدهای الگوهای امنیتی تهدید برای کشورهای عضو مجموعه تلقی شود؛ علاوه بر این‌که به لحاظ ذهنی و عینی کشورها در حالت ناامنی قرار می‌گیرند، از مداخله‌ی قدرت‌های خارجی و حضور آنها استقبال می‌نمایند که این مسأله به نوبه‌ی خود امنیت‌زدایی را برای مجموعه رقم می‌زند. بر اساس مطالب فوق، مدل نظری این پژوهش بر اساس شکل زیر می‌باشد:



خلیج فارس به‌عنوان یک مجموعه‌ی امنیتی

برخی از مجموعه‌های امنیتی دارای زیرمجموعه‌های در محدوده خود هستند. زیرمجموعه‌ها به‌صورت پایدار همان مجموعه هستند، اما زیرمجموعه درون یک مجموعه بزرگ‌تر جاسازی شده است. زیرمجموعه‌ها اغلب زمانی به‌وجود می‌آید که مجموعه‌ی امنیتی شامل تعداد زیادی دولت باشد. زیرمجموعه‌ی امنیتی خلیج فارس در مجموعه‌ی امنیتی غرب آسیا (خاورمیانه) می‌تواند به‌خودی خود؛

اما همراه با ارتباط‌های زیاد با دیگر زیرمجموعه‌های درون غرب آسیا به‌عنوان یک مجموعه‌ی امنیتی دیده شود. (Fahlander, 2011: 6-7)

عوامل ایجادکننده‌ی الگوهای امنیتی در خلیج فارس

خلیج فارس مجموعه‌ای از کشورهاست که به‌دلیل وجود ساختار روابط که مبتنی بر الگوهای غالباً دشمنی و حاکم شدن پویش‌های امنیتی رقابتی جویانه و تعارضی میان اعضای آن و در نتیجه، ایجاد وابستگی متقابل امنیتی، مجاورت جغرافیایی و مرزهای مشخص و پیوند استوار میان آن و ساختار نظام بین‌الملل شکل‌دهنده‌ی الگوی امنیتی در مجموعه‌ی امنیتی است. (رجوع شود به: Buzan & Waever, 2003: 51-52)

عوامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری الگوهای امنیتی در خلیج فارس

فارغ از عوامل ایجادکننده‌ی الگوهای امنیتی، یک سری عوامل مؤثر بر شکل‌گیری الگوهای امنیتی در خلیج فارس وجود دارد که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد:

قطب‌بندی درون منطقه‌ای

مجموعه‌ی امنیتی خلیج فارس را هشت کشور ساحلی احاطه کرده که به ترتیب از سمت شمال به طرف جنوب عبارتند از: ایران، عراق، کویت، عربستان، بحرین، قطر، امارات و عمان. در واقع، با عنایت به کشورهای این مجموعه می‌توان پی برد که کشورهایی همانند ایران، عربستان و عراق دارای ویژگی‌هایی از قبیل جمعیت بومی فراوان، مساحت وسیع جغرافیایی، توانمندی‌های نظامی و توانایی دفاع از خود در برابر تهدیدات را دارند. در نتیجه، کشورهای مذکور به قطب‌های قدرتمند هستند.

این در حالی است که کشورهایی با ویژگی‌هایی همانند جمعیت بومی کم، مساحت محدود جغرافیایی، شرایط جغرافیایی نامناسب دارای مشکلات امنیتی و اقتصادی متعددی روبرو هستند، از جمله تهدید از سوی همسایگان قدرتمند، آسیب‌پذیری اقتصادی و وابستگی زیاد نظامی به قدرت خارجی. (قاسمی و صالحی، ۱۳۸۷: ۱۲۲-۱۱۸)

نتیجه این که مجموع این ویژگی‌ها شکل دهنده به ساختار نامتناسب قدرت است که این مهم سبب‌ساز حاکمیت الگوهای امنیتی فردگرایانه و دربردارنده‌ی تهدیدات امنیتی می‌باشد. مجموعه شاخص‌های قدرت بیانگر این موضوع است که در مجموعه‌ی امنیتی خلیج فارس سه کشور ایران، عراق و عربستان به‌عنوان قطب‌های برتر خلیج فارس مطرح می‌باشند. جدول‌های شماره‌ی ۳ و ۴ که در ادامه می‌آیند، بیانگر این موضوع هستند.

جدول شماره‌ی ۳: قطب‌های برتر در خلیج فارس (به نقل از قاسمی و صالحی، نگرش تئوریک بر خلیج فارس و مسائل آن، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۱۳۸۷: ۱۲۰)

کشور - متغیرهای قدرت	ایران	عراق	عربستان
وسعت به هزار کیلومتر	۱/۶۴۸	۴۳۵	۱/۹۵۰
جمعیت به میلیون	۷۰	۲۵	۱۹/۶
درآمد ناخالص ملی به میلیارد دلار	۵۹/۸	۱۸/۵	۱۲۴
درآمد سرانه‌ی دلار	۱۰۰۰	۹۰۰	۱۰۲۰۰
هزینه‌های نظامی به میلیارد دلار	۱/۲۵	۲/۷	۱۶/۵

جدول شماره‌ی ۴: توانایی نظامی کشورهای خلیج فارس ۲۰۱۰

متغیرها	ایران	عربستان	سایر کشورهای خلیج فارس
۱ مساحت سرزمین	۱/۶۴۷/۰۰۰	۲/۱۵۰/۰۰۰	۳۲۵/۰۰۰
۲ جمعیت	۷۰/۰۰۰/۰۰۰	۲۵/۰۰۰/۰۰۰	۲/۰۰۰/۰۰۰
۳ سرمایه‌گذاری در امور دفاعی	۲/۵ درصد	۱۰ درصد	۶/۸ درصد (به‌طور متوسط)
۴ تعداد افراد نظامی	۸۷۰/۰۰۰ (شامل نیروهای سپاه پاسداران و ششصد هزار نیروهای بسیجی نیز می‌شود)	۲۲۰/۰۰۰ (البته شامل ۳۵ هزار نیروی محافظ چاه‌های نفتی نمی‌شود)	۱۴۰/۰۰۰ (هم‌چنین ۲۴ هزار سرباز رزروی در کویت)

۵	هواپیماهای جنگی	۲۳۷	۲۵۲	۲۵۸
۶	هواپیمای باری و حمل‌ونقل	۱۰۱	۵۷	۱۱۳
۷	هلی‌کوپتر	۳۴۰	۲۲۶	۲۰۴
۸	موشک‌های دریا به ساحل و ساحل به دریا	تقریباً ۴۰۰ (HY-2/C801/802/701)	اتومات/تسو/تعداد نامشخص	MM-40 (تعداد نامشخص، امارات متحده‌ی عربی)
۹	موشک زمین به زمین و زمین به دریا	۱۰۰۰ موشک با برد ۲۰۰۰-۱۵۰ کیومتر مربع	(CSS-2)-30-50	اسکاد-B (تعداد نامشخص، امارات متحده‌ی عربی)
۱۰	کشتی جنگنده‌های سبک	۹۰	۲۷	۵۱
۱۱	زیردریایی	۳ عدد (به‌علاوه‌ی ۵ عدد زیردریایی کوچک)	ندارد	ندارد

مجموعه‌ی امنیتی خلیج فارس و هژمون سیستمی

خلیج فارس به‌عنوان یکی از مناطق مهم جهان است که ویژگی‌های منحصر به فرد آن، دلیلی برای حضور همیشگی قدرت‌های فرامنطقه‌ای بوده است. در این راستا، باید گفت پرتغال به‌عنوان اولین قدرت غربی بود که وارد خلیج فارس شد. (Saeid Naji, 2011: 206-208) پرتغالی‌ها در آغاز سعی نمودند تا بندر کالیگوت را تسخیر نمایند، ولی با توجه به شکست خود گوا را مرکز خود قرار دادند. از این مرکز بود که پرتغالی‌ها تهاجم خود را برای تسلط بر منطقه‌ی خلیج فارس آغاز کردند. (الهی، ۱۳۷۹: ۳۰)

پرتغالی‌ها بعد از صدوپنجاه سال حضور در خلیج فارس در اثر شکست از نیروهای ایرانی، سلطه بر منطقه را کاملاً از دست دادند. پس از آن، سایر دولت‌های اروپایی بر شدت رقابت برای برتری و تسلط بر کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس افزودند. هلند یکی از دولت‌هایی بود که در این دوره از تاریخ در خلیج فارس به‌دنبال گسترش نفوذ خود برآمد و موفقیت‌های قابل توجهی کسب نمود. (الهی، ۱۳۷۹: ۴۴)

سپس روسیه‌ی تزاری به دلیل نزدیکی جغرافیایی به خلیج فارس همواره انگیزه‌ی نفوذ و سلطه بر این منطقه را داشت، به طوری که حساسیت رقیب دیگر را (انگلستان) به شدت بر می‌انگیخت. با آغاز قرن بیستم اصطکاک منافع روسیه و انگلستان در خلیج فارس بیش‌تر شد، اما با شکست روسیه از ژاپن قدرت و اعتبار جهانی این کشور کاهش یافت. به این ترتیب، روس‌ها علاوه بر آن‌که حضور انگلستان در منطقه را به رسمیت شناختند، از هرگونه ادعای دیگری در خلیج فارس چشم‌پوشی کردند. (اسدی، ۱۳۸۱: ۸۰-۸۲)

انگلستان از نخستین کشورهای بود که در خلیج فارس سلطه‌ی طولانی پیدا کرد و طرح‌های امنیتی مشخصی را دنبال نمود. در ابتدا علت اصلی توجه بریتانیا به خلیج فارس حفظ و نگاهداری هندوستان بود. خلیج فارس که منطقه‌ی مجاور اقیانوس هند می‌باشد، در راهبرد امپراتوری بریتانیا نقش خاص خود را داشت. بررسی اوضاع سیاسی منطقه نشان می‌دهد که چگونه انگلیس بتدریج جای پای خود را در خلیج فارس محکم نمود و امنیت آن را در جهت مصالح خود تثبیت نمود (امامی، ۱۳۸۲: ۲۲-۲۱) تا این‌که سرانجام در سال ۱۹۴۸ آخرین سربازهای انگلیسی از منطقه‌ی خاورمیانه خارج گشته (احمدی، ۱۳۷۷، ص ۲۴۳) و حضور رسمی آمریکا در خلیج فارس، هم‌زمان با عقب‌نشینی بریتانیا در سال ۱۹۷۱ از این منطقه اتفاق افتاد. (برزگر، ۱۳۸۶: ۱۱۵) حضور آمریکا از این زمان در منطقه‌ی خاورمیانه ثابت و همیشگی بود، به‌خصوص با تمام شدن جنگ سرد فرصتی پیش آمد تا آمریکا سیاست خارجی خودش را بازسازی کند. رنگ و بوی جدید این دوران با حمله و تجاوز عراق به کویت و جنگ داخلی در سومالی آغاز شد. در این دوران، نیازهای امنیتی دولت‌های منطقه دست‌کمک به سوی آمریکا دراز می‌کرد. بعد از ۱۱ سپتامبر بیش‌ترین فرصت برای آمریکا در جهت کاربرد سیاست نظامی علیه منطقه به‌وجود آمد که بیش‌ترین نمود آن در جنگ آمریکا علیه افغانستان و عراق مشاهده گردید. (Ahmadov, 2005: 138-141)

آمریکا به‌عنوان کارگزار نظام بین‌الملل دارای منافع حیاتی است که در پیوند با مجموعه‌ی خلیج فارس می‌باشد. (Stanly foundation, 2005: 1) به همین علت، در دوران مختلف تاریخی منطقه، آمریکا از انواع مختلف سیستم‌های کنترلی در راستای حفظ منافع خود استفاده کرده است که می‌توان به‌صورت خلاصه آن را در سه مرحله مطرح کرد:

نظم مبتنی بر هژمونی منطقه‌ای، سیاست مبتنی بر مهار دوجانبه و سیاست مبتنی بر زور. (ابراهیمی فر، ۱۳۸۷: ۲۰-۲۲) بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که مجموعه‌ی امنیتی خلیج فارس به‌صورت پایدار و مداوم شاهد حضور قدرت‌های خارجی بوده است. البته درست است که هر یک از کشورها بتدریج از رأس قدرت افول کرده و جای خود را به دیگر کشوری که در رأس هرم قدرت قرار گرفته، واگذار می‌نمایند؛ ولی در اصل مطلب که حضور و مداخله‌ی قدرت خارجی که در پیوند با ساختار سیستم بین‌الملل در این مجموعه می‌باشد، تفاوتی رخ نداده است. این مداخله‌ی همیشگی و کثرت آن منوطاً بر شکل‌گیری الگوهای امنیتی و پیامدهای آن تأثیر جدی دربر خواهد داشت.

مجموعه‌ی امنیتی خلیج فارس و ساخت اجتماعی

برای بررسی ساخت اجتماعی در خلیج فارس می‌بایست الگوی دوستی و دشمنی میان کشورهای این منطقه را بررسی نمود. به‌طور کلی، الگوی دوستی و دشمنی را می‌توان در قالب دو متغیر قومی و مذهبی و متغیرهای ارضی و مرزی در نظر گرفت:

الف) متغیرهای قومی و مذهبی: یکی از مهم‌ترین متغیرهای دوستی و دشمنی برای فهم دینامیک‌های امنیتی در مجموعه‌ی امنیتی خلیج فارس، فاکتور قومی و مذهبی می‌باشد. به لحاظ قومیتی جمعیت‌های عرب دارای بیش‌ترین تعداد در این مجموعه را دارا می‌باشند؛ ایران نیز دارای جمعیت فارسی بالایی است. اقلیت‌هایی از کرد و ترکمن در عراق و ایران وجود دارند، اما برجسته‌ترین بُعد اختلافی در این مجموعه میان سنی و شیعه است. به علاوه وهابیت که یک گروه مذهبی سنی می‌باشد، در عربستان زندگی می‌کنند. (Hinnebusch, 2003: 55-56) هم‌چنین پس از سقوط بریتانیا در ۱۹۷۱ در خلیج فارس مهم‌ترین ویژگی تعارضی در این منطقه رقابت میان ایران،

عراق، عربستان، از یک سو و از طرف دیگر، کویت، بحرین، قطر، امارات متحده‌ی عربی و عمان که به‌وسیله‌ی عربستان سعودی رهبری می‌شوند، می‌باشد. توزیع جغرافیایی قومیت‌ها و گروه‌ها باعث کشمکش‌های قومی و تمایزات در منطقه شده است. بر این اساس، می‌توان با توجه به نقشه‌ی گروه‌های قومی در منطقه‌ی غرب آسیا به این مسأله پی برد که گروه‌های قومی در این بخش از جهان دارای تمایزات بسیار زیادی هستند که این تمایزات باعث تعارضات قومی در منطقه می‌شود و این مسأله بر امنیت مجموعه‌ی مذکور تأثیر زیادی دارد.

شکل شماره ۴: نقشه‌ی گروه‌های قومی در غرب آسیا (خاورمیانه)

(Source: <http://www.jewishvirtuallibrary.org.Map of Middle East Ethnic: 1>)



ب) متغیرهای مرزی و ارضی: مشکلات مرزی و سرزمینی میان ایران و عراق وجود دارد که بر سر جمعیت کرد هر دو کشور است. هم‌چنین جمعیت شیعه‌نشین در عراق یک نگرانی مهم برای ایران به‌دلیل سرنوشت جمعیت شیعه در این کشور و هم برای عراق به‌دلیل تحریک احتمالی جمعیت شیعه توسط ایران است. کشمکش میان عراق و عرب‌های خلیج فارس به‌طور اساسی بر سر قیمت نفت و جریان منابع نفتی مرزی می‌باشد. (Buzan and weaver, 2003: 791-792) از دیگر اختلافات مرزی که بر سر منابع نفتی می‌باشد، شامل موارد زیر می‌گردد:

اختلاف میان قطر - بحرین بر سر مجمع‌الجزایر؛ قطر - عربستان بر سر جنوب خاوری قطر؛ قطر - ابوظبی بر سر جزیره‌ی حالول؛ عراق - کویت (عراق ادعای تسلط بر کویت را داشت)؛ عربستان - یمن بر سر سه استان نفت‌خیز عسیر، نجران و جیزان؛ عربستان - امارات بر سر منطقه‌ی بوریمی. ویژگی دیگر اختلافات مرزی و ارضی در میان کشورهای خلیج فارس آن است که تداوم آنها موجب بروز برخوردهای مرزی و جنگ شده است. به عبارت دیگر، اختلافات مرزی و ارضی بین کشورهای خلیج فارس تنها به صورت اختلاف باقی نمانده، بلکه معمولاً همراه با برخوردهای مرزی بوده است. برخوردهای مرزی بیش‌تر در مناطق مورد اختلاف روی داده است. تقریباً تمام کشورهای خلیج فارس که با یکدیگر اختلاف مرزی و ارضی داشته‌اند، درگیر برخوردهای مرزی و جنگ نیز بوده‌اند. (جعفری ولدانی، ۱۳۷۴: ۱۷)

جدول شماره‌ی ۵: جنگ و برخوردهای مرزی بین دولت‌های خلیج فارس

ردیف	نام کشورهای درگیر	تعداد جنگ‌ها و برخوردهای مرزی
۱	ایران - عراق	۸ سال جنگ (۸۸-۱۹۸۰)
۲	عراق - کویت - عربستان	جنگ خلیج فارس ۹۱-۱۹۹۰ - حداقل ۲۰ برخورد مرزی سال ۱۹۹۳-۱۹۷۳
۳	عربستان - یمن	۴ جنگ در سال‌های ۱۹۲۶، ۱۹۳۴، ۱۹۶۲، ۱۹۶۹ و حداقل ۱۰ برخورد مرزی از ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۹
۴	عربستان - عراق - کویت	جنگ خلیج فارس ۱۹۹۴
۵	عمان - یمن	جنگ ظفار و حداقل سه برخورد مرزی در سال‌های ۱۹۷۶، ۱۹۸۲، ۱۹۸۷
۶	عراق - کویت	برخورد ۱۹۹۲
۷	عربستان - قطر	برخورد سپتامبر ۱۹۹۲
۸	قطر - بحرین	برخورد ۲۶ آوریل ۱۹۸۶

برخورد ۸ نوامبر ۱۹۹۲	عمان - امارات عربی متحده	۹
----------------------	-----------------------------	---

جدول شماره ۶: اختلافات مرزی و ارضی حل نشده در خلیج فارس

رد	نام کشورهای طرف	موضوعات مورد اختلاف
۱	امارات عربی متحده -	مرزهای دریایی در خلیج فارس و دریای عمان
۲	امارات عربی متحده -	ارضی (بخش‌هایی از رأس الخیمه و شارجه)
۳	ایران - عراق	مرز دریایی
۴	امارات عربی متحده -	ارضی (جزیره‌ی حالول و چند جزیره‌ی دیگر و خورالعدید)
۵	ایران - کویت	مرز دریایی
۶	عراق - کویت	ارضی (کویت و به‌ویژه جزایر وربه و بومیان)
۷	ایران - امارات عربی	مرز دریایی (بجز مرز دریایی بین ایران - دبی)
۸	امارات عربی متحده -	مرزهای دریایی
۹	بحرین - قطر	ارضی (مجمع‌الجزایر حواری و نوار زبانه)
۱۰	بحرین - قطر	مرز دریایی
۱۱	عربستان - قطر	مرز دریایی در خلیج سلوا و خورالعدید
۱۲	عربستان - کویت	مرز دریایی
۱۳	عربستان - کویت	ارضی (جزایر ام‌المرادم و قارو)
۱۴	عراق - کویت	مرز دریایی
۱۵	عربستان - یمن	ارضی (مناطق و استان‌های مارب، جوف، ربع‌الخالی،
۱۶	میان ۷ عضو امارات	مرزی و ارضی (۱۲ مورد)

(Solingen, etel(2007): Pax Asiatic versus bella Levantia: Foundation of war and peace in east asia and the middle east, the American political Science review, Vol101, no4.)

مجموعه‌ی امنیتی خلیج فارس و ساخت ژئوپلیتیک

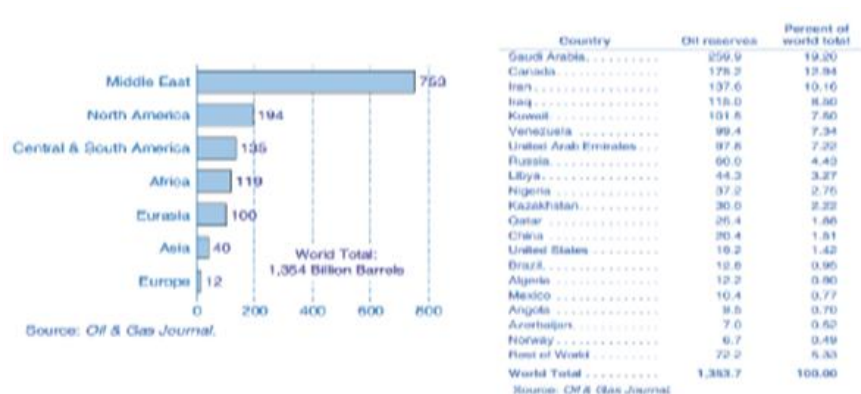
در حال حاضر، اصطلاح ژئوپلیتیک به تفسیر رئالیست‌ها از روابط بین‌الملل تعلق دارد. (koopman, 2011: 175) در میان مناطق ژئوپلیتیک، بنا به تعاریف کوهن، خلیج فارس نمونه‌ی قابل توجهی است. (کوهن، ۱۳۸۷: ۲۴۰) و بر اساس ژئوپلیتیک کلاسیک یک ریملند و بر اساس ژئوپلیتیک نوین یک هارتلند در جهان است. (sajedi, 2009: 78) خلیج فارس با مساحتی حدود ۲۹۵۰۰ مایل مربع، یکی از مناطق راهبردی جهان است که اهمیت آن از گذشته مورد توجه ملل مختلف قرار گرفته است. این منطقه در ۲۴ تا ۳۰ درجه و ۳۰ دقیقه‌ی عرض شمالی و ۴۸ تا ۵۶ درجه و ۲۵ دقیقه‌ی طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ قرار دارد. خلیج فارس امروزی، بخش کوچکی از گستره‌ی آبی پهناوری است که در روزگاران قدیم، دریای پارس نامیده می‌شد، زیرا در گذشته دریای پترس تمامی دریای مکران (عمان) و بخشی از اقیانوس هند تا حدود رود سند را دربر می‌گرفته است. (اخباری، قهرمانی، ۱۳۹۰: ۵۴-۵۵) نام خلیج فارس امروزه به آبراهی اطلاق می‌شود که در امتداد دریای مکران (عمان) قرار گرفته و با کشورهای باستانی ایران و کشورهای عربستان، کویت، قطر، امارات، بحرین، عمان و عراق مرز آبی مشترک دارد. کشورهای حوزه‌ی جنوبی خلیج فارس، مانند بحرین، قطر، کویت، امارات متحده‌ی عربی و... اغلب قراردادی، کوچک و جدیدالتأسیس هستند و مرزهای کشورشان به‌وسیله‌ی اراده و خواست کشورهای استعماری جهان تقسیم‌بندی و تعیین شده است. این منطقه به‌عنوان محل تلقی تمدن‌های بزرگ خاور باستان، به دلیل دارا بودن ذخایر غنی انرژی و به‌دلیل وجود تنگه‌ی راهبردی هرمز، همواره به‌عنوان گلوگاه منابع عظیم انرژی با موقعیت سوق‌الجیشی منحصر به فرد، بی‌تردید از مهم‌ترین مناطق راهبردی اقتصادی، سیاسی و نظامی دنیا محسوب می‌گردد. (اخباری، قهرمانی، ۱۳۹۰: ۵۴-۵۵) به همین علت، همیشه در مرکز توجه بازرگانان، تجار و قدرت‌های بزرگ بوده است. منافع تجاری، کالاهای حمل‌شده از خلیج فارس به دنیای خارج و برعکس این منطقه را برای قدرت‌های بزرگ بسیار مهم کرده است؛ به‌طوری که قدرت‌های بزرگ بر

سر کنترل این منطقه همیشه در جنگ و رقابت بوده‌اند. بعد از جنگ جهانی دوم و با ظهور قدرت‌های جدید اقتصادی (چین و هند و کره‌ی جنوبی) در کنار آمریکا، اروپا، ژاپن نیاز به نفت افزایش یافت، و بر این اساس، مناطق تولیدکننده‌ی نفت مثل خلیج فارس نقش بسیار مهمی در اقتصاد جهانی پیدا کردند. به همین علت، اغلب این کشورها امروزه در خلیج فارس قرار دارند. برخی از این کشورها مثل آمریکا، اروپا، ژاپن و چین بیش‌ترین سرمایه‌گذاری‌ها را در این منطقه دارند. (sajedi, 2009: 77)

86 اروپاییان بعد از فروپاشی شوروی و اتمام جنگ سرد در قالب روابط سیاسی، امنیتی و اقتصادی روابط خویش را با کشورهای منطقه‌ی خلیج فارس تنظیم کرده‌اند (رجوع شود به: واعظی، ۱۳۸۹: ۲۸-۳۴)، اما برخلاف کشورهای اروپایی که عمدتاً سیاست همکاری و در مقاطعی بسته به شرایط، سیاست رقابت با آمریکا در سطح بین‌المللی و از جمله در منطقه‌ی خاورمیانه را اتخاذ کرده‌اند، روسیه و چین به‌عنوان دو قدرت بزرگ در سیاست بین‌الملل، در پی موازنه‌سازی در برابر آمریکا در خلیج فارس و جلوگیری از دستیابی این کشور به جایگاه هژمون و افزایش نفوذ و گسترش روابط سیاسی و اقتصادی با منطقه‌ی خلیج فارس بوده است. روسیه بعد از فروپاشی به دلیل معضلات داخلی سهم چندانی برای ورود به مناطق مختلف از جمله خلیج فارس نداشت، اما بعد از ریاست جمهوری پوتین، با اتخاذ سیاست‌های انبساطی وی در حوزه‌ی سیاست خارجی، در راستای تحکیم موقعیت خود در منطقه‌ی خاورمیانه و به‌ویژه خلیج فارس گام برداشت. چینی‌ها با درک موقعیت خلیج فارس در سال‌های اخیر تلاش‌های وسیعی برای ارتقای روابط با کشورهای نفتی این منطقه، به‌ویژه کشورهای اصلی، انجام داده‌اند تا در پرتو آن بتوانند سهم خود را از ذخایر این منطقه هرچه بیشتر افزایش دهند. به همین دلیل، جایگاه خلیج فارس در سال‌های اخیر به‌گونه‌ای آشکار در سیاست خارجی این کشور ارتقا یافته است، به‌نحوی که چین در این منطقه در پی دستیابی به منافع راهبردی در حوزه‌های مختلف به‌ویژه در حوزه‌ی اقتصادی و امنیتی است.

مجموعه‌ی امنیتی خلیج فارس و ساخت ژئواکونومیک

بر اساس این نگرش، مجموعه‌ی امنیتی خلیج فارس به سبب وجود منابع نفت و گاز و به عبارتی به‌عنوان تأمین‌کننده‌ی انرژی، نقش اساسی در تداوم کارکرد نظام بین‌الملل دارد. (قاسمی و صالحی، ۱۳۸۷: ۵۰-۵۲) هرچند منابع نفتی در مناطق دیگر جهان وجود دارد، اما باید خلیج فارس را به‌عنوان مرکز ذخایر نفتی جهان دانست؛ زیرا که ۶۵٪ از ذخیره‌ی نفت و ۲۸٪ از درآمد جهانی را دارا می‌باشد. بر اساس نقشه و جداول زیر می‌توان میزان ذخیره‌ی نفتی و گازی ثابت‌شده را در جهان مشاهده کرد.



شکل شماره‌ی ۵: میزان ذخایر نفتی و گاز در غرب آسیا در سال ۲۰۰۹.

بر اساس نظریه‌ی تقسیم‌کار بین‌المللی والرش‌تاین زیرسیستم خلیج فارس جزو بخش پیرامونی سیستم جهانی محسوب می‌شود و دارای کارکرد تولید مواد خام در سیستم جهانی می‌باشد. کشورهای این بخش دارای اقتصاد تک‌محصولی وابسته به حوزه‌ی انرژی می‌باشند. از سوی دیگر، توزیع این کالا در مجموعه‌ی امنیتی خلیج فارس یکسان نیست و بر اساس برخی از کشورهای این بخش از سیستم جهانی، در حیطه‌ی ذخایر، تولید و صادرات مواد خام نقش محوری در اقتصاد بخش پیرامونی ایفا می‌کنند که این عامل سبب می‌شود تا ساختار ژئواکونومیک منطقه تحت تأثیر این کشورها قرار گیرد. لازم به ذکر است سه کشور اصلی اپک (عربستان، ایران و عراق) نقش مهمی در بازارهای جهانی دارند و این سه کشور نقش محوری

در این مجموعه دارند که در شکل زیر صادرات هر یک از این کشورها به مناطق مختلف در سال ۲۰۱۲ مورد بررسی قرار گرفته است.



شکل شماره ۶: میزان صادرات نفت خام عربستان، عراق و ایران به نقاط مختلف جهان در سال ۲۰۱۲

سازه‌های امنیتی خلیج فارس

با توجه به تبیین و تحلیل عوامل تأثیرگذار در خلیج فارس به‌عنوان یک مجموعه‌ی امنیتی از جمله بررسی فرآیندهای امنیتی خلیج فارس که شامل تعارضات قومی-مذهبی و ارضی-سرزمینی است، هم‌چنین میزان روابط تعارضی میان کشورهای مجموعه، نامتوازن بودن ساختار قدرت در منطقه، رسوخ‌پذیر بودن مجموعه‌ی امنیتی خلیج فارس نسبت به ساختار قدرت سیستمی، قرار گرفتن در بخش پیرامونی ژئواکونومیک، تولید انرژی و در نتیجه، شباهت در تولید و اقتصادهای واگرا امکان شکل‌گیری الگوهای امنیتی جمع‌گرایانه وجود نداشته و در نتیجه، سازه‌های حاکم از نوع فردگرایانه می‌باشد.

زیرمجموعه‌ی سازه‌های امنیتی

الگوی امنیتی بازدارندگی و موازنه‌ی قوا دو الگوی است که توسط آمریکا در مجموعه‌ی امنیتی خلیج فارس اعمال خواهد شد. بدین ترتیب که بازدارندگی از نوع یک‌جانبه است و آمریکا در نقش مدافع به‌دنبال تأمین امنیت متحدان منطقه‌ای که اعضای شورای همکاری خلیج فارس هستند، در این مجموعه می‌باشند. چالشگران این مجموعه؛ یعنی ایران به شکل تهدید عینی و عربستان و عراق به شکل تهدید بالقوه می‌باشند. با جنگ تمام‌عیار علیه عراق و در

نتیجه، حضور نیروی نظامی گسترده‌ی آمریکا به عراق، خود عامل ثبات بازدارندگی می‌باشد. هم‌چنین الگوی مذکور بر روابط نامتقارن قدرت میان آمریکا و ایران قرار دارد. هر توازن قدرت منطقه‌ای بر نفوذ قدرت بزرگ جهانی و روشی که چنین قدرت‌هایی در سیستم منطقه‌ای نفوذ می‌یابند، مبتنی است. (barzegar, p 2, 2010)

سیستم توازن قوا در منطقه بر اساس مهار تهدیدات بازیگران نسبت به یکدیگر در منطقه طراحی شده است که به نوعی پاسخگوی نیازها و منافع آمریکا در منطقه بوده است، اما این سیستم تنها اختلافات بین بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را تشدید می‌کند. (ibid) راهبرد آمریکا در منطقه بر این اساس قرار گرفته است که هیچ بازیگر منطقه‌ای صاحب حاکمیت و تسلط در منطقه نشود. در سیستم توازن قدرت تأکید بر اختلافات و تضاد منافع میان بازیگران منطقه‌ای است.

توازن قدرت در منطقه حالت تهاجمی دارد و بر افزایش قدرت نسبی دولت‌ها در یک بازی با حاصل جمع جبری صفر و تقاضاهای امنیتی و سیاسی که ریشه در سیاست‌های تجدیدنظرطلب دارد، مبتنی است. (Barzegar, p 6, 2010) الگوی امنیتی موازنه‌ی قوا توسط آمریکا میان سه کشور ایران، عراق و عربستان می‌باشد و بر این اساس است که هیچ بازیگر منطقه‌ای برتری نیابد. در این الگو تأکید بر تضاد و اختلافات میان بازیگران است. (Barzegar, 2010: 6)

پیامدهای سازه‌های امنیتی فردگرایانه در مجموعه‌ی امنیتی خلیج فارس

دستورکار امنیتی بازدارندگی و امنیت منطقه‌ای

پیامدهای امنیتی بازدارندگی یک‌جانبه توسط آمریکا در مجموعه‌ی امنیتی خلیج فارس در چهار قالب می‌گنجد:

- ۱) دستورکار امنیتی مبتنی بر تلافی گسترده و امنیت منطقه‌ای خلیج فارس؛ ۲- دستورکار امنیتی مبتنی بر راهبرد پاسخ انعطاف‌پذیر و امنیت منطقه‌ای خلیج فارس (Zagrono and Kilgour, 2000:133-160)؛ ۳- دستورکار امنیتی مبتنی بر راهبرد پایگاه‌سازی و امنیت منطقه‌ای خلیج فارس؛ ۴- دستورکار امنیتی مبتنی بر راهبرد حضور پایدار. (قاسمی، ۱۳۸۴: ۹۰).

(۲) دستورکار امنیتی مبتنی بر تلافی گسترده و امنیت منطقه‌ای خلیج فارس: از آنجا که این بازدارندگی از نوع یک‌جانبه است، پوشش امنیتی برای متحدان (کشورهای حاشیه خلیج فارس) برقرار و علیه چالشگران احتمالی عراق، ایران و عربستان می‌باشد که با وقوع جنگ تمام‌عیار علیه عراق در ۲۰ مارس ۲۰۰۳ این مدل عملی گردید. در قالب این مدل، ایران نیز کشوری اسلامی، انقلابی و دارای خصومتی اساسی با این آمریکاست و به دنبال دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای و کشتار جمعی است. پس چالشگری اساسی محسوب می‌شود و احتمال وقوع جنگ تمام‌عیار علیه آن مطرح است که تهدید وجودی است و بقا و حیات این کشور را تهدید می‌نماید. در خصوص عربستان نیز باید گفت، اختلافات آمریکا و عربستان با وقوع یازده سپتامبر رو به سردی گرایید، اما پس از وقوع تحولاتی نوین، دو کشور در صدد بازسازی روابط خود برآمدند. در حال حاضر، عمده‌ی نگرانی کشورهای مذکور جلوگیری از افزایش نفوذ ایران در عراق است، اما هرکدام راهبردهای مختلفی را دنبال می‌کنند. آمریکا از طریق افزایش قدرت دولت عراق و عربستان از طریق حمایت مالی از گروه‌های سنی تندرو مخالف دولت عراق است. (Chase, 2004) بنابراین، به نظر می‌رسد آمریکا در چارچوب دستورکار بعدی اقدام به واکنش در برابر عربستان نماید؛

(۳) دستورکار امنیتی مبتنی بر پاسخ انعطاف‌پذیر و امنیت منطقه‌ای: این دستورکار دومین راهبرد بازدارندگی یک‌جانبه می‌باشد. براین اساس، اقدام آمریکا با تأکید بر اعمال روند اصلاحات و دموکراسی‌سازی در راستای طرح خاورمیانه‌ی بزرگ و محدود نمودن تعاملات در دیگر حوزه‌ها (Bookman, 2012) در قبال عربستان است. بنابراین، ایالات متحده می‌تواند در این چارچوب، عربستان را از اعمال بی‌ثباتی در عراق دور نماید، اما در مورد ایران یکی از راهبردهای پاسخ انعطاف‌پذیر اعمال تحریم است که سابقه‌ی بس طولانی دارد. نخستین تحریم آمریکا علیه ایران پس از واقعه‌ی گروگان‌گیری دیپلمات‌های آمریکایی در تهران در سال ۱۹۷۹ انجام گرفت که به دنبال این جریان، آمریکا متقابلاً ۱۲ میلیارد دلار از دارایی‌های

دولت ایران را مصادره کرد که تا امروز ضبط است. نمونه‌هایی دیگر از این دست عبارتند از: تحریم فروش اسلحه علیه ایران در جنگ ایران و عراق؛ تصویب قانون ایلسا در سال ۱۹۹۶؛ اعمال تحریم علمی در سال ۲۰۰۲؛ خارج نمودن ایران از لیست کشورهای که خدمات وب دریافت می‌کنند؛ ممنوعیت فروش کالاهای راهبردی به ایران از قبیل ابررایانه‌های قوی‌تر از ۱۹۰ میلیارد عمل در ثانیه. (رجوع شود به: Cordesman, Gold, Khazai, Bosserman, 2013)

اسامی نهادهایی که از طرف وزارت خزانهداری آمریکا مورد تحریم واقع شدند، عبارتند از: بانک صادرات ایران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بانک ملی و وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و دست‌آخر تحریم صنایع پتروشیمی ایران در سال ۲۰۱۳ است. در مجموع، محدودیت‌های مذکور اقتصاد ملی ایران را با چالش‌ناامنی در این زمینه‌ها و موضوعات از جمله صادرات کالا و خدمات، به‌ویژه صدور انرژی به بازار جهانی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و اعتبار بین‌المللی، توسعه‌ی اقتصادی و تأمین وضعیت مطلوب اقتصادی برای ملت ایران مواجه می‌سازد. (رجوع شود به: Cordesman, Gold, Khazai, Bosserman, 2013) از دیگر اقدامات در قالب پاسخ انعطاف‌پذیر اعمال تهدیدات فرهنگی است. به عبارت دیگر، در اثر نفوذ فرهنگ و ارزش‌های لیبرالی و آمریکایی، به مرور زمان، فرهنگ، مذهب، ارزش‌های ملی ایران و به تبع آن شیوه‌ی زندگی مردم دستخوش دگرگونی می‌شود. در این خصوص می‌توان به مصوبات بودجه‌ی ۱/۵ میلیون دلاری در سال ۲۰۰۴، ۳/۵ میلیون دلار در سال ۲۰۰۵ به سازمان‌های غیردولتی در زمینه‌های مطبوعات و حقوق بشر و بودجه‌ی ۷۵ میلیون دلاری در سال ۲۰۰۶ اشاره کرد. نوع دیگر تهدیدات فرهنگی ناشی از هویت‌های فراملی در جامعه‌ی ایران است که در شرایط فعلی توسط آمریکا در جهت تحریک اقدامات استقلال‌طلبانه‌ی هویتی و سرزمینی به‌کار گرفته می‌شود. از این نوع، می‌توان به گروهک جندالله در سیستان و بلوچستان و گروهک پژاک اشاره کرد. در نتیجه، می‌توان گفت مسأله‌ی قومیت‌ها در دستورکار سازمان‌های جاسوسی و راهبردی آمریکا قرار گرفته که تهدیدات جدی علیه امنیت ملی ایران است (دهشیری، ۱۳۸۳: ۱۲۵-۱۲۰).

(۴) دستورکار امنیتی مبتنی بر پایگاه‌سازی و امنیت منطقه‌ای خلیج فارس: یکی دیگر از دستورکارهای بازدارندگی یک‌جانبه‌ی پایگاه‌سازی است. آمریکا به دلیل داشتن منافع حیاتی در خلیج فارس و تأمین امنیت و ثبات جریان انرژی از دیرباز تاکنون همواره بر پایگاه‌سازی و تسلیح کردن آنها با انواع گوناگون سلاح‌های پیشرفته در کشورهای مختلف این منطقه تأکید داشته است که به‌طور مختصر اشاره شده است: (۱) بحرین یکی از متحدان بزرگ غیرعضو ناتو است. پایگاه نظامی الجفیره در جنوب شرقی منامه ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا است. حضور نظامی آمریکا پس از یازده سپتامبر در این کشور از ۷ به ۱۱۰ پایگاه نظامی رسید؛ (۲) در قطر پایگاه السیلیه مقر نیروهای ویژه‌ی آمریکایی وابسته به فرماندهی مرکزی نظامی آمریکا است. هم‌چنین آمریکا مرکز نیرو هوایی خود را موسوم به ستکام از عربستان به قطر منتقل کرد تا این ستاد فرماندهی مرکزی در پایگاه هوایی العدید قطر در منطقه‌ی خورالعدید در جنوب شرقی دوحه مستقر شود (Rt.com, 2013)؛ (۳) پایگاه نظامی هوایی عبدالعزیز در ظهران که باید آن را مادر برای تمام پایگاه‌ها نظامی آمریکا در اروپا و آسیای غربی به‌شمار آورد. پایگاه دریایی ملک عبدالعزیز در دمام یکی دیگر از این پایگاه‌ها می‌باشد؛ (۴) امروزه در عمان نیروهای نظامی آمریکایی چندانی مستقر نیستند و این حضور بیش‌تر شکلی سمبلیک دارد، اما میزان ذخایر تسلیحاتی آمریکا در عمان قابل توجه است. پایگاه هوایی السیب و جزیره‌ی المصیره دو پایگاه هوایی عمده در این کشورند؛ (۵) کویت یکی دیگر از کشورهایی است که پایگاه‌های عمده‌ی نظامی در آن وجود دارد که عبارتند از پایگاه نظامی الدوحه، عریفان و پایگاه آموزشی فرجینیار (Farsnews, 2013)؛

(۵) دستورکار امنیتی مبتنی بر حضور نظامی پایدار و امنیت منطقه‌ای: منطقه‌ی خلیج فارس به‌دلیل موقعیت ژئواستراتژیک خاص خود، همواره در طول تاریخ شاهد حضور قدرت‌های خارجی در دامان خود بوده و کشف منابع عظیم نفتی در منطقه نیز اهمیت آن را دوچندان ساخت. در این میان و در چند دهه‌ی اخیر، از نظر گستره‌ی حضور، آمریکا سهمی بیش‌تر از دیگر قدرت‌ها

در منطقه داشته است. جنگ دوم خلیج فارس و بحران متعاقب آن در سال ۱۹۹۰، باعث تقویت موقعیت نظامی منطقه‌ای آمریکا شد. تحرکات و اقدامات آمریکا در خلیج فارس بین سال‌های ۲۰۰۸-۱۹۹۱ همواره مبتنی بر یک رشته علایق و اهداف ویژه‌ی منطقه‌ای بوده است که از جمله مهم‌ترین آنها، می‌توان به نفت، حفظ ثبات منطقه‌ای، جلوگیری از گسترش سلاح‌های کشتار جمعی و مبارزه با تروریسم اشاره کرد. کشورهای عربی منطقه به دلیل دارا بودن منابع عظیم نفتی، جایگاه ویژه‌ای در سیاست آمریکا دارند. نمودهای این اهمیت و جایگاه را می‌توان در موافقتنامه‌های همکاری‌های دوجانبه‌ی دفاعی، پایگاه‌های نظامی و قراردادهای امنیتی آمریکا با این کشورها مشاهده کرد. (مؤمنی، ۱۲۲: ۱۳۸۴) همان‌طور که بیان شد، آمریکا از زمان استقلال با منطقه‌ی خلیج فارس ارتباط دارد و از آن زمان اهداف و منافع را در منطقه دنبال می‌کرده است، اما پیامدها و ملزومات جنگ عراق در سال ۲۰۰۳ و دوره‌ی زمانی پس از آن، منجر به دگرگونی بزرگی در نوع حضور نظامی آمریکا در غرب آسیا و بالخصوص منطقه‌ی خلیج فارس شد. این امر از دو جهت صورت گرفت: موجب گسترش دایره‌ی امکانات نظامی در اختیار نیروهای آمریکایی واقع در پایگاه‌ها، بنادر، فرودگاه‌ها، اردوگاه‌های نظامی و مراکز بیش‌تر کشورهای منطقه هم پیمان ایالات متحده هستند، شد. به علاوه، این امر موجب افزایش تعداد پایگاه‌های نظامی عمده به طرز بی‌سابقه‌ای در کشورهای خلیج فارس شد. آنها مراکز عملیاتی نظامی نسبتاً کاملی را تشکیل می‌دهند که از آزادی نسبی و قدرتی کامل برای پشتیبانی فعالیت‌های جنگی هوایی، زمینی و دریایی برخوردارند. (متقی، ۱۳۸۳: ۱۶-۱۳)

پیامدهای امنیتی موازنه‌ی قوا در مجموعه‌ی امنیتی خلیج فارس

به‌منظور بررسی پیامدهای امنیتی موازنه‌ی قوا می‌بایست دستورکارهای آن را در نظر گرفت که عبارتند از: ۱) دستورکار امنیتی مبتنی بر جنگ و امنیت منطقه‌ای: در صورتی که یکی از طرفین موازنه‌ی قوا با افزایش قدرت در صدد برهم‌زدن موازنه برآید، جنگ مؤثرترین راهکار می‌باشد. به‌عنوان مثال، با افزایش قدرت ایران در برابر عراق و برهم خوردن موازنه در سال ۱۹۸۰، آمریکا تصمیم به جنگ برای مهار هر دو کشور گرفت و بدین ترتیب، جنگ ایران و عراق آغاز گردید.

سپس در سال ۱۹۹۰ با جنگ عراق علیه کویت موازنه نیز برهم خورد و آمریکا که به دنبال بازگشت موازنه در منطقه بود، با متحدان خود علیه عراق وارد عمل شد. (Indyk, 1993: 4) هم‌چنین با افزایش مجدد توان عراق و در خطر قرار گرفتن موازنه‌ی قوا و در نتیجه، ثبات و امنیت منطقه‌ای آمریکا مجدداً در سال ۲۰۰۳ اقدام به جنگ علیه این کشور نمود؛ (۲) دستورکار امنیتی مبتنی بر ادغام، تجزیه و امنیت منطقه‌ای: دستورکار مذکور را می‌توان از این جهت مورد بررسی قرار داد، از طریق تکه‌تکه و تجزیه ساختن بخش‌های از کشورهای هم‌جوار و ادغام آنها با هم و تشکیل یک کشور آزاد و مستقل. در رابطه با مورد یک می‌بایست موارد زیر را اشاره نمود: جدا کردن بخش‌های کردنشین از خاک کشور ایران، عراق، سوریه و ترکیه و ادغام نمودن آنها با هم در قالب کشور آزاد و مستقل کردستان؛ جدا کردن شهرهای مکه و مدینه از کشور عربستان و ادغام آن دو با یکدیگر با عنوان کشور مقدس اسلامی؛ گسترش بخشی یمن از طریق تجزیه‌ی بخش‌هایی از کشور عربستان؛ تقسیم کشور عراق به دو گروه عراق سنی و دولت عرب شیعه؛ گسترش دادن دولت عرب شیعه از طریق تجزیه‌ی بخش‌هایی از خاک کشور عربستان و ایران و ادغام آن دو با یکدیگر؛ تجزیه‌ی سیستان و بلوچستان از ایران و تشکیل بلوچستان آزاد از طریق ادغام مناطقی از افغانستان و پاکستان به آن (Peters, 2006)؛ (۳) دستورکار امنیتی مبتنی بر مسابقه‌ی تسلیحاتی و امنیت منطقه‌ای: در این حالت تلاش‌های یک دولت برای افزایش امنیت خود به شکل تناقض‌آمیزی موجب ادراک کاهش امنیت از سوی طرف‌های درگیر در مجموعه‌ی امنیتی خواهد شد. در این خصوص می‌توان به مسابقه‌ی تسلیحاتی عربستان، عراق، ایران و کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس اشاره نمود. در حالی که هزینه‌های نظامی جهانی تنها ۵٪ تولید ناخالص ملی جهانی را تشکیل می‌دهد، کشورهای غرب آسیا تنها ۱۲٪ تولید ناخالص ملی خود را صرف مقاصد نظامی می‌کنند. (Alfares, 2000: 87)

این ارقام حاکی از بی‌اعتمادی واحدها به هم و در نتیجه، شکل‌گیری رقابت تسلیحاتی به‌عنوان پایه‌ی اصلی سیاست‌ها و خریدهای تسلیحاتی کشورهای این مجموعه است. در مجموع، می‌توان گفت برآیند راهبردهای موازنه‌ی قوا منجر به غالب شدن بازی با حاصل جمع

صفر به جای بازی با حاصل جمع متغیر و منافع نسبی به جای منافع مطلق است که همگی تهدید جدی علیه امنیت ملی ایران ایجاد می‌نماید.

جدول شماره‌ی ۴: موافقتنامه‌های تسلیحاتی ۲۰۱۰-۲۰۰۷ میلیون دلار

کشورگیرنده	آمریکا	روسیه	چین	کشورهای اصلی اروپا	کل
ایران	۰	۳۰۰	۰	۰	۷۰۰
عراق	۵۶۰۰	۲۰۰	۱۰۰	۵۰۰	۷۴۰۰
کویت	۲۴۰۰	۷۰۰	۰	۰	۳۱۰۰
عمان	۱۰۰	۰	۰	۱۳۰۰	۱۴۰۰
قطر	۲۰۰	۰	۱۰۰	۷۰۰	۱۰۰۰
عربستان	۱۳۸۰۰	۰	۱۰۰	۷۰۰	۲۸۹۰۰
امارات	۱۰۴۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۳۴۰۰	۱۵۱۰۰
یمن	۰	۳۰۰	۰	۱۰۰	۶۰۰

(Cordesman, Anthony and Wilner (2012) Iran and the Gulf Military Balance, Center for Strategic and International Studies)

دستورکار امنیتی مبتنی بر اتحاد و ائتلاف و امنیت منطقه‌ای: اگر قرار است یکی از دستورکارهای موازنه‌ی قوا اتحاد و ائتلاف باشد در این صورت موازنه میان ایران، عراق و عربستان شکل خواهد گرفت، اما با شکل‌گیری دولت نوری المالکی و برتری شیعیان، عراق دیگر به‌عنوان رقیب راهبردی در تقابل با ایران نبوده و در نتیجه، امکان ایجاد اتحاد و ائتلاف میان این دو کشور بسیار است. همچنین به‌دلیل اتخاذ مواضع هماهنگ با ایران در قبال بحران سوریه امکان شکل‌گیری اتحاد و ائتلاف عراق با سوریه وجود دارد. در این صورت، عربستان که هرگونه تحولات در عراق را از پنجره‌ی توازن قدرت با ایران می‌بیند، بیکار ننشسته و اقدام به بی‌ثبات‌سازی در عراق از طریق تحریک گروه‌های سنی و تندرو می‌نماید. در این راستا،

به نظر می‌رسد تلاشی در جهت اتحاد و ائتلاف با یمن که آل‌خلیفه به منظور ابقای قدرت بی‌نیاز از کمک آل‌سعود نیست، شکل بگیرد.

نتیجه‌گیری

همان‌طور که گفته شد، مجموعه‌ی امنیتی به‌عنوان مفهومی جدید در مطالعات منطقه‌ای است که بر اساس عوامل و متغیرهایی چون وابستگی متقابل، الگوی دوستی و دشمنی، نزدیکی مرزهای جغرافیایی ایجاد می‌شوند، اما در نتیجه‌ی این عوامل، ساخت‌های متفاوتی از مجموعه‌های امنیتی شکل می‌گیرد؛ به‌طوری‌که برخی از این ساخت‌ها مبتنی بر تهدیدات و برخی مبتنی بر منافع مشترک است. در این راستا، الگوی امنیتی شکل‌دهنده در ساخت‌های مذکور متفاوت می‌باشد: الگوهای امنیتی فردگرایانه در ساخت‌های مبتنی بر تهدید و الگوهای امنیتی جمع‌گرایانه در ساخت‌های مبتنی بر منافع مشترک. الگوهای امنیتی فردگرایانه شامل بازدارندگی و موازنه‌ی قوا می‌باشد. الگوهای امنیتی جمع‌گرایانه نیز شامل امنیت دسته‌جمعی و جامعه‌ی امنیتی (ادغام‌شده - کثرت‌گرا) است که هر کدام از این الگوهای امنیتی دربردارنده‌ی راهبردهای خاصی هستند که هر یک رفتاری را ایجاد می‌نمایند که پیامدهای امنیتی خاصی را در منطقه به‌دنبال دارند. این پیامدهای امنیتی بسته به ساخت منطقه‌ی امنیت را تضعیف یا تقویت می‌کنند.

خلیج فارس به‌عنوان یک زیرمجموعه‌ی امنیتی در مجموعه‌ی غرب آسیاست که به علت آنارشیک بودن منطقه و امنیت مبتنی بر خودیاری، الگوهای امنیتی فردگرایانه در آن غالب است. این الگوها شامل بازدارندگی یک‌جانبه و موازنه‌ی قوا می‌شوند که به علت تبعی بودن این الگوی امنیتی، رفتارهای حاصل از آن تعارضی و پیامد ناشی از آن نیز منجر به امنیت‌زدایی منطقه شده است.

پیامدهای امنیتی الگوی مذکور بر امنیت ملی کشورها تأثیر داشته است که یکی از این کشورها ایران می‌باشد، اما همان‌طور که گفته شد، این تأثیرات تضعیف امنیت ملی این کشور

را دربر داشته است، به همین علت این مقاله پیشنهاداتی را در جهت کاهش پیامدهای منفی الگوهای امنیتی مذکور می‌بایست اتخاذ نماید:

- ۱) طراحی سیاست‌های متناسب جهت تقویت فرهنگ ایرانی-اسلامی در راستای تحکیم هویت و افزایش انسجام داخلی؛
- ۲) تقویت پیوندهای موجود و گسترش گام به گام آن در زمینه‌های اعتقادی، فرهنگی و اقتصادی؛
- ۳) بالا بردن توان دفاعی جمهوری اسلامی ایران به‌منظور مقابله با جنگ‌های احتمالی در سطح منطقه؛
- ۴) تشکیل تیم‌ها و گروه‌های مجرب به‌منظور شناسایی و مقابله با تهدیدات نرم و راهبردهای غیرمستقیم دشمن؛
- ۵) به‌کارگیری دیپلماسی منطقه‌ای و جهانی به‌منظور جلوگیری از شکل‌گیری اتحاد و ائتلاف منطقه‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران؛
- ۶) برگزاری رزمایش‌های دریایی، سرزمینی و هوایی و کسب و افزایش پرستیژ؛
- ۷) دیپلماسی فعال جهت جلوگیری از جهان‌شمول شدن تحریم‌ها؛
- ۸) تقویت اقتصاد ملی از طریق اقتصاد مقاومتی؛
- ۹) تقویت روابط مسالمت‌آمیز و همکاری‌جویانه از طریق مذاکره و تفاهم میان کشورهای مجموعه‌ی امنیتی خلیج فارس؛
- ۱۰) جلوگیری از امنیتی جلوه دادن ایران و مقابله با اقدامات ایران‌هراسی در خلیج فارس؛
- ۱۱) رساندن پیام ایران مبنی بر صلح دوستی، مخالفت با اقدامات تروریستی و افراط‌گرایانه به کشورهای همسایه و جهان بر اساس دین اسلام محمدی.

منابع

فارسی

- ۱- اخباری، قهرمانی (۱۳۹۰)؛ جایگاه ژئوپلیتیکی خلیج فارس در فرایند جهانی شدن، نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال سوم، شماره‌ی چهارم.
- ۲- آقایی، داوود (۱۳۸۳)، سازمان‌های بین‌المللی، تهران: نسل نیکان.
- ۳- آرت، اریک (۱۳۸۰)، ایران تصور تهدیدزا و اقدامات نظامی اطمینان‌ساز، مجله‌ی امنیت ملی، سال اول، شماره‌ی ۳.
- ۴- ابراهیمی‌فر، طاهره (۱۳۸۷)، نظم نوین امنیتی در خلیج فارس پس از اشغال نظامی عراق، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال سوم، شماره‌ی دوم.
- ۵- اسدی، بیژن (۱۳۸۱)، خلیج فارس و مسائل آن، تهران: سمت.
- ۶- ارگانسکی، ای.اف.ک (۱۳۵۴)، سیاست جهان، ترجمه‌ی فرهودی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۷- احمدی، حمید (۱۳۷۷)، ریشه‌های بحران در خاورمیانه، چاپ دوم. تهران: انتشارات کیهان.
- ۸- الهی، همایون (۱۳۷۹)، خلیج فارس و مسائل آن، چاپ ششم، تهران: نشر قومس.
- ۹- امامی، محمدعلی (۱۳۸۲)، عوامل تأثیرگذار خارجی در خلیج فارس، تهران: وزارت امور خارجه.
- ۱۰- برزگر، کیهان (۱۳۸۶)، خاورمیانه و تروریسم جدید، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، جلد ۳، شماره‌ی ۴، ص ۱۱۵.
- ۱۱- بلیس، جان و دیگران (۱۳۸۳)، استراتژی در جهان معاصر، مقدمه‌ای بر مطالعات استراتژیک، ترجمه‌ی کابک خیبر، تهران: مؤسسه‌ی فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- ۱۲- بوزان، باری. ویور، الی (۱۳۸۸)، مناطق و قدرت‌ها، ترجمه‌ی رحمان قهرمان‌پور، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۱۳- روشن‌دل، جلیل و سیف‌زاده، حسین (۱۳۸۲)، تعارضات ساختاری داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی در خلیج فارس، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک در خاورمیانه.
- ۱۴- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۷۴)، تحولات مرزها و نقش ژئوپلیتیک آن در خلیج فارس، قومس، تهران.

- ۱۵- سیف‌زاده، حسین (۱۳۸۴)، نظریه‌ها و تئوری‌های مختلف در روابط بین‌الملل فردی-جهانی‌شده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۱۶- فرید من، لارنس (۱۳۸۹)، بازدارندگی، مترجمان: طالبی آرانی، روح‌الله و قهرمان‌پور بناب، عسگر، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۱۷- قاسمی، فرهاد (۱۳۸۱)، اصول روابط بین‌الملل، تهران: میزان.
- ۱۸- قاسمی، فرهاد؛ صالحی، جواد (۱۳۸۷)، نگرش تئوریک بر خلیج فارس و مسائل آن، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- ۱۹- کمال‌پور، یحیی (۱۳۸۶)، جنگ رسانه‌ها و تبلیغات، تهران: ابرار معاصر.
- ۲۰- کوهن، ساموئل (۱۳۸۷)، ژئوپلیتیک نظام جهانی، ترجمه‌ی کاردان، عباس، تهران: ابرار معاصر.
- ۲۱- عبدالله خانی، علی (۱۳۸۴)، نظریه‌های امنیت: مقدمه‌ای بر طرح‌ریزی دکترین امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران: ابرار معاصر.
- ۲۲- لیک، دیوید، ای. مورگان، پاتریک، ام (۱۳۸۱)، نظم‌های منطقه‌ای؛ امنیت‌سازی در جهان نوین، مترجم جلال دهقانی فیروزآبادی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۲۳- اوچلی، انریکو؛ مورفی، گریک (۱۳۷۳)، «کاربرد دیدگاه گرامشی در روابط بین‌الملل، با نگاهی به رابطه ایالات متحده به جهان سوم»، ترجمه‌ی حمیرا مشیرزاده، راهبرد، شماره‌ی ۵.
- ۲۴- دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۳)، بررسی مقایسه‌ای راهبرد امنیتی ایالات متحده و اتحادیه اروپایی در خلیج فارس پس از ۱۱ سپتامبر، سیاست دفاعی، سال ۱۲، شماره‌ی ۴۸.
- ۲۵- قاسمی، فرهاد (۱۳۸۴)، ساخت ژئوپلیتیکی سیستم بین‌الملل نوین و استراتژی نظامی، امنیتی ایالات متحده آمریکا، ژئوپلیتیک، سال اول، شماره‌ی دوم.
- ۲۶- به نقل از قاسمی، فرهاد (۱۳۸۴)، ساخت ژئوپلیتیکی سیستم بین‌الملل نوین و استراتژی نظامی، امنیتی آمریکا، ژئوپلیتیک، سال اول، شماره‌ی دوم.
- ۲۷- قاسمی، فرهاد (۱۳۸۳)، «ساخت کنترلی و ترتیبات امنیتی سیستم تابعه خلیج فارس در سیاست بین‌الملل نوین پس از جنگ عراق»، مجموعه مقالات چهاردهمین همایش بین‌المللی خلیج فارس، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۲۸- قاسمی، فرهاد (۱۳۹۰)، «موانع شکل‌گیری رژیم امنیتی منطقه‌ای کنترل تسلیحات؛ مطالعه موردی خاورمیانه»، فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، شماره‌ی سوم.
- ۲۹- عباسی اشلقی، مجید (۱۳۸۴)، نظم هژمونیک منطقه‌ای و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، مطالعات دفاعی و امنیتی، شماره‌ی ۴۲.
- ۳۰- عسگری، محمود (۱۳۸۲)، «منطقه‌گرایی و پارادایم امنیت منطقه‌ای»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره‌ی ۱۸۸-۱۸۷.
- ۳۱- واعظی، محمود (۱۳۸۹)، «نقش قدرت‌های بزرگ در منطقه خلیج فارس و چالش‌های هژمونی آمریکا»، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، سال دوم، شماره‌ی ششم.

- ۳۲- متقی، ابراهیم (۱۳۸۳)، تهدیدات امنیت ملی ایران در دوران عملیات پیش‌دستی‌کننده، فصلنامه علوم سیاسی، شماره‌ی ۲.
- ۳۳- متقی، ابراهیم (۱۳۸۳ب)، نقش عراق در ژئوپلیتیک خاورمیانه بزرگ، مجله دفاعی امنیتی، شماره‌ی ۴.
- ۳۴- مقتدر، هوشنگ (۱۳۷۱)، امنیت دسته‌جمعی در تئوری و در عمل، سیاست خارجی، سال ۶.
- ۳۵- مورگنتا، هانس، جی (۱۳۷۴)، سیاست میان‌ملت‌ها، ترجمه‌ی حمیرا مشیرزاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۳۶- مومنی، میرقاسم (۱۳۷۸)، حضور آمریکا در خلیج فارس، اهداف و روندها مربوط به کتاب خاورمیانه ویژه خلیج فارس، تهران: وزارت امور خارجه.
- ۳۷- یزدان فام، محمود (۱۳۸۵)، تحریم‌های بین‌المللی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، مطالعات راهبردی، سال نهم.

انگلیسی

- 38- Ahmadov, Ramin (2005); "The U.S. Policy toward Middle East in the Post-Cold War Era", Turkish Journal of International Relations, Vol. 4, No.1&2.
- 39- Alfares, Abdel razek (2000); Armes and Bread: Arms Expenditure in Arab World, Beirut: center for Arab Unity Studies.
- 40- Anderson, Ewan (2000); The Middle East: geography and geopolitics, New York: Routledge.
- 41- Barzegar, Kayhan (2010); "Balance of Power in Persian Gulf: An Iranian View", journal article, Middle East Policy. VXII.
- 42- Bellamy Foster, John (2006); "The New Geopolitics of Empire", Monthly Review, January.
- 43- Bookman, jay (2012); "The president's Real Goal in Iraq",
- 44- www.informationclearinghouse.info/article/2319.html
- 45- Borjon, Moller (1993); Security Concepts: New Challenges and Risks, Copenhagen: Center for Peace and Conflict Research.
- 46- Buzan and Weaver (2003); Regions and Power: The Structure of International Security. Cambridge: Cambridge University Press
- 47- Chase.w.Freeman (2004); Shifting Sands in the U.S-Saudi Arabian relations-hip, www.saudi-u.s-relatins.org (sursris)

- 48- Cordesman, Anthony H. Gold, Bryan, Khazai, Sam, Bosserman, Bradley (2013); U.S. and Iranian Strategic Competition, Center for Strategic and International Studies.
- 49- Cordesman, Anthony and Wilner (2012); Iran and the Gulf Military Balance, Center for Strategic and International Studies.
- 50- Cordesman, Anthony and Wilner (2010); Iran, the Gulf, and Strategic competition: Key Scenarios Chair in Strategy, center for strategic and international studies.
- 51- Dutch, W. Karl (1957); Political Community and the North Atlantic Area. Princeton: Princeton University Press.
- 52- Fahlander, patric (2011); "Rejional security in the Persian Gulf indications of change in a rejional complex security. lands university statretenskapliga institution.
- 53- Fallows, James (2004); "Will Iran be Next?" The Atlanyic Monthly, December
- 54- Fars News Agency (2013). July, 23.
- 55- <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13910613001052>
- 56- Fraizear and Ingersoll (2010); "Rejional powers And Security: A Framework for Understanding Order Whitin Regional Security Complex.", European Journal of International Relations, Vol. 16, No. 4: 731-753.
- 57- Hass, B. Ernest (1953) "The balance of Power"prescription ,concept or propaganda, World Politics5,NO.4.
- 58- Hinnebusch, Raymond (2003); International Politics of the Middle East. Mancheste GBR: Manchester University Press.
- 59- Guzansky, yoel (2010); "beyond nuclear and terror threats: conventional military balance in the gulf", strategic assessment , volum13,no.1
- 60- Indyk,Martin (1993) The Clinton Administration s Approach to the Middle East, keynote Address to the Soref Symposium on Challenges to U.S. Interests in Middle East, Obstacles, Institute for Near East Policy, Washington DC.
- 61- Jervis, Robert (1978); "Cooperation under the Security Dilemma", World Politics 30, No2.
- 62- Koopman.sara, Alter (2011); "Geopolitics: other security are happening", doi10.1016/geoforum." 01.007

- 63- Lake DA (1997); Regional security complexes: A systems approach. In: Lake DA, Morgan PM(eds) Regional Orders: Building Security in a New World. University Park: Pennsylvania State University Press.
- 64- Midlarski, I. Manus (1998); Democracy and Islam: Implications for Civilizational Conflict and the Democratic Peace, International Studies Quarterly, Vol42, No3.
- 65- Naji, Saeid and A. JawanJayum (2011); "Role of the Persian Gulf's Oil in the US Geopolitical Codes during the Cold War Geopolitical Order.", International Journal of Humanities and Social Science, Vol . 1, No. 5.
- 66- Paul, K. Huth (1999); "Deterrence and International Conflict: Empirical Findings and Theoretical Debate", Ann. Rev. Polit. Sci.
- 67- Peters, Ralph (2006); Blood Borders, How a Better Middle East Would Look, armed forces journal.
- 68- Reynolds (2009); "An Empirical Application of Regional Security Complex Theory: The securitization discourse in China's relation with central Asia and Russia." fumaglli, MA thesis University.
- 69- Rothstein, L. Robert (1968); Alliance and Small Power, New York, NY: Columbia University Press.
- 70- Rtnews(2012). June, 23.
- 71- Rt.com/news/Persian-gulf-american-military-291/

